

## آغاز دوره شناخت قرآن در ایتالیا

### در قرن پانزدهم میلادی\*

پرفسور پیه مونتسه

در سال‌های اخیر، پژوهش گسترده‌ای را تحت عنوان کتابخانه عربی در ایتالیا در قرن پانزدهم میلادی، درباره دوره‌های ناشناخته عرب‌شناسی در ایتالیا آغاز کرده‌ام و امیدوارم در آینده نزدیکی بصورت کتاب منتشر شود. همچنین چند مقاله در این زمینه نوشته‌ام که آماده چاپ است، اما هنوز بطور عمومی چیزی در این باره نگفته‌ام و این اولین بار است که به طرح این موضوع در خدمت شما می‌پردازم.

کسانی که در این باره کار کرده‌اند، هرگز به مدارک اصلی آن یعنی مدارک آرشیوی و نسخه‌های خطی مراجعه نکرده‌اند. البته برای این بی‌توجهی دلایلی وجود دارد که پرداختن به آنها در حوصله این بحث نمی‌گنجد.

نخستین عرب‌شناس ایتالیایی در قرن پانزدهم میلادی، فردی بود به نام بلترامو مینیانلی (Beltramo Mignanelli) (۱۳۷۰ تا ۱۴۵۵ م / ۷۷۱ تا ۸۵۹ هـ). وی اهل سیینا (Siena) شهر معروف توسکانا (Toscana) بود و سال‌های درازی را تا حدود ۱۴۱۰ م / ۸۱۳ هـ در مصر، سوریه، ایران، تبریز، هرمز و منطقه خلیج فارس به سر برد. مینیانلی در ظاهر تاجر، اما در اصل دیپلمات بود. آثاری وی به شرح زیر است:

(۱) ترجمه تطبیقی زیور داود به زبان عربی، لاتین، یونانی و عبری.

(۲) شرح حال تیمورلنگ: بیانگر این احتمال است که شاید این شرح که به زبان لاتین و مبتنی بر مشاهدات عینی مؤلف است، نخستین و مهم‌ترین شرح حال اروپایی درباره تیمورلنگ باشد و نیز بیانگر این احتمال است که شاید مینیانلی بانظام‌الدین شامی یا

ابن خلدون آشنایی داشته است.

۳) شرح حال سلطان برقوق سلطان مملوکی مصر.

این دو شرح حال بنا بر سفارش سچیس‌موند (Sigismund)، امپراتور مجارستان در شهر کنستانز (Kenstanz) آلمان، در سال ۱۴۱۶م / ۸۱۹ هـ نوشته شده است. در دیباچه کتاب زبور داود، مینیانلی مطالبی درباره ویژگی‌های زبان عربی و آثار فرهنگی آن و نیز معرفی دقیق دستور زبان عربی آورده است که بدون تردید نخستین تعریف علمی زبان عربی در اروپاست. این کتاب در سال ۱۴۴۳م در شهر سینا نگارش یافت. مینیانلی درباره سلطان مصر می‌نویسد: سلطان مصر چند زبان می‌دانست که از آنها در موارد زیر استفاده می‌کرد:

زبان عربی در هنگام دادرسی (زبان قضایی)

زبان ترکی در اردو (زبان نظامی)

زبان فارسی و یونانی در دربار و حرم

همچنین او مترجم پاپ ائوگنیوس چهارم (Evgenis IV) در نشست جامع کلیساهای مسیحی در شورای فلورانس (۴۳ - ۱۴۳۸م / ۶ - ۸۴۲ هـ) و مترجم پاپ در امور نمایندگان عربی زبان مصر، سوریه، بین‌النهرین و قبطیان بود.

مقاله دیگری که زیر چاپ دارم «شروع تحقیقات عربی در سیسیل از قرون وسطی تا رنسانس» نام دارد و تا آنجا که من می‌دانم این موضوع تا کنون بررسی نشده است. تحقیقات در سیسیل، از قرن ۱۲ م / ۶ هـ آغاز شد. یکی از ویژگی‌های مردم سیسیل آن بود که یهودیان آن نسبت به سایر یهودیان ایتالیا از آگاهی بیشتری برخوردار بودند. متون عربی، نه فقط به خط عربی، بلکه به خطوط عبری و سریانی نیز نوشته می‌شد. در قرن ۱۶ م / ۱۰ هـ، جیان باتیستا وکییتی (Jian Battista Vecchieti)، خاورشناس و جهانگرد ایتالیایی به ایران آمد و توانست با استفاده از یهودیان جنوب ایران (لار)، تورات و زبور و دیگر کتب مقدس را از خط عبری به خط عربی برگرداند.

مقاله دیگری که بتازگی آماده کرده‌ام «قرآن‌های جمع‌آوری شده در قرن ۱۵ م / ۹ هـ توسط دانشمندان ایتالیایی» نام دارد. در آن قرن دانشمندان علاقه‌مند به تحقیق در تمدن شرق و اسلام، توجه خاصی به ویژگی‌های زبان و متون عربی داشتند، زیرا زبان عربی

یکی از چهار زبان اصلی فرهنگ و تمدن جهان (در کنار زبان‌های یونانی، لاتین، عبری) بود و زبان کلدانی (سریانی)، زبان فرهنگی پنجم شمرده می‌شد.

در یک کتاب چاپی، کتیبه‌ای وجود دارد که دقیقاً تصور این مفهوم است. از بالا به پایین چهار زبان: عربی، عبری، یونانی و لاتین. متن عربی آن چنین است: «مجد الله»، «ام‌المجبه» و «مجد الدنيا»، و به لاتین، ترجمه آن عبارت است از: «به جلال خداوند (Glori Dei)»، «مادر محبت (Mather Amoris)» و «به جلال دنیا (Gloria Mvndi)». این کتاب که در ماه دسامبر ۱۴۹۹ م / ۹۰۴ هـ در ونیز چاپ شد، معروف‌ترین چاپ مصور در اروپا تا آن زمان بود که درباره تعبیر خواب جوانی به نام پولیفیلوس (Poliphilus) است. در این کتاب کتیبه عربی دیگری وجود دارد که نخستین چاپ متنی عربی در اروپا (و جهان) است. اما اینکه این کتیبه را چه کسی و در کجا و به چه منظوری نوشته است قابل بررسی است.

درباره قرآن مقدماً باید گفت که در نیمه اول قرن ۱۲ م / ۶ هـ اولین ترجمه قرآن به زبان لاتین توسط یک دانشمند انگلیسی بنام روبرتوس کتنسیس (Robertus ketnensis) در شهر تولدو (Toledo) در اسپانیا تهیه شد. هشتاد سال بعد در ۱۲۱۱ م / ۶۰۸ هـ، پتروس تولتانوس (Petrus Toletanus) ترجمه جدیدی از قرآن به همراه چند رساله از ابن تومرت موحدی ارایه داد. این دو ترجمه، بویژه نخستین آن که همراه با متون دیگر به اهتمام پتروس ونرایلیس (Petrus Venerabilis) جمع‌آوری شده بود، بصورت دایرةالمعارف جیبی اسلام در اروپا استفاده شد. در این دایرةالمعارف، متن قرآن، مقدمه، رساله‌ای در شرح حال پیامبر اسلام، شجره خاندان قریش و نیز چند رساله بر ضد اسلام آمده است. این مجموعه که به عنوان مجموعه تولدونی (Collectio Toletana) شناخته می‌شد، منبع اصلی شناخت اسلام و قرآن در اروپا بود. ترجمه قرآن پتروس تولتانوس گرچه شهرت زیادی نیافت اما منبع ترجمه‌های دیگر شد. تا قرن ۱۵ م / ۹ هـ، از سرگذشت ترجمه قرآن بی‌خبریم. پس از آن، یعنی از نیمه دوم قرن ۱۵ م / ۹ هـ به بعد، در ایتالیا توجه زیادی به قرآن شد، بویژه از سوی اومانیسست‌ها که به منظور تحقیق مجدد در متون و زبان‌ها، بر آن بودند تا دیگر براساس ترجمه لاتین، به بررسی متون عربی نپردازند، بلکه ترجمه‌های جدیدتری از این متون ارایه دهند.

از مهم‌ترین مراکز جمع‌آوری نسخه‌های خطی عربی می‌توان به رم (پایتخت مسیحیت)، فلورانس (مرکز نهضت اومانسیم) و اورینو (پایتخت فرهنگی ایتالیا و شاید اروپا) اشاره کرد. حاکم اورینو، فدریکو دامونته فلترو (Federico da Monte Feltro) یک نظامی بود که علاقه زیادی به گردآوری نسخه‌های خطی داشت به نحوی که جیوانی سانتی (Giovanni Santi) پدر رافائل (Raffaello Santi) نقاش مشهور، زندگینامه وی را بصورت منظومه‌ای درآورده و در جایی از آن درباره کتابخانه او به شعر چنین سروده است: «کتاب‌های فراوان دیدم: عربی، یونانی و عبری».

راهب دومینیکن جرولمو ساونارولا (Gerolemo Savonarola) که موجد نهضت اصلاح کلیسای کاتولیک بود و از این‌رو به عنوان پیامبر شناخته می‌شود، در سال ۱۴۹۶ م / ۹۰۱ هـ در کلیسای فلورانس نطقی کرد مبنی بر اینکه «در مذهب ما سه زبان کامل وجود دارد: لاتین، یونانی و عبری؛ و سپس زبان عربی و کلدانی؛ یقیناً خداوند در رساندن آنها به ما دلیلی داشته است». مارسیلیو فیچینو (Marsilio Ficino) بزرگترین دانشمند و اومانیسیت فلورانس، و همکار مدیچی (Lorenzo de Medici) حاکم فلورانس، در کتابی درباره مسیحیت که در سال ۱۴۷۴ م / ۸۷۹ هـ به رشته تحریر درآمد، چنین نوشته است: «سرانجام در خواهید یافت که اعتبار پیامبران و قوانین و دستورات آنان در طی قرون متمادی چقدر بزرگ بوده است و این دستورات از سوی یهودیان و مسیحیان و مسلمانان یعنی همه ملل جهان رعایت می‌شود». بنابراین همانطور که ملاحظه می‌شود در آن زمان نه ضدیت با اسلام، که هماهنگی با آن مطرح بود و این معنای نظریه آکادمی افلاطونی فلورانس بود.

از دیگر اومانیسیت‌های آن دوره می‌توان از جیوانی پیکو دلامیراندولا (Giovanni Pico della Mirandola) نام برد که در طول حیات ۳۳ ساله‌اش نشان داد فردی بسیار فرهنگ دوست است. وی با اطلاعاتی که درباره فلسفه و عرفان و ادیان یهود و اسلام داشت بر آن بود تا بین ادیان سه گانه هماهنگی به وجود آورد و دین جدیدی بسازد. لذا زبان‌های عبری، کلدانی و عربی را فراگرفت و در کتابخانه خود به گردآوری نسخه‌های عربی پرداخت. از جمله کتاب‌های عربی موجود در کتابخانه او: زبور داود، اناجیل چهارگانه، القانون فی الطب (ابن سینا)، سرالاسرار و دو نسخه قرآن به زبان

عربی است که از این دو نسخه، یکی احتمالاً همان نسخه مونیخ است به شماره ۷۰۷، (Codex Orientalis 707) و دیگری نسخه واتیکان به شماره ۳۵۷ (Vatican Ebraico 357). پیکو معلمی برای زبان عبری، عربی و کلدانی داشت که نامش فلاویوس متیرداتس و لقب آکادمیک او گویلموس رایموندوس مونکاتس بود. مونکاتس پسر یک دانشمند مسیحی مذهب یهودی الاصل سیسیلی بود که او هم عرب شناس بود. نام اصلی او هنوز شناخته نشده است. محققان یهودی امروزی معتقدند گرچه مونکاتس متون یهودی را به مسیحیان بطور دقیق و صحیح نرسانده، اما مهمترین شخصیت یهودی است که در زمان اومانیسم، فرهنگ یهودی را به مسیحیان انتقال داده است. از این رو او بزرگترین خاورشناس قرن پانزدهم در اروپاست که کتابهای زیادی توسط او ترجمه یا تفسیر شده است.

درباره چگونگی ارتباط مونکاتس با پیکو چنین گفته می شود که:

در جمعه مقدس (۲۰ آوریل) ۱۴۸۱م / ۲۱ صفر ۸۸۶ هـ مونکاتس در واتیکان و در حضور پاپ سیکستوس چهارم (Sixtus IV) و کاردینالها، درباره «شهادت حضرت مسیح» نقلی کرد که متن اصلی خطی آن در کتابخانه واتیکان (Ms. Barberini 1175) موجود است. او در این نطق، فرهنگ شرقی خود را با به کار بردن رنگ قرمز نشان می دهد. عنوان این نطق با ذکر از جملات به زبان و خط عبری، یونانی، لاتین، کلدانی و عربی نوشته شده است. در این ترکیب، جمله کلدانی آن چنین معرفی شده است: «زبان آرامی به خط حبشی». دو جمله هم از قرآن دارد: سوره ۴ (نسا) آیه ۴، و سوره ۵ (مائده) آیات ۵۶ و ۵۷ (درباره ذات مسیح و مردم). سبک و شکل این دو عبارت از قرآن، بسیار شبیه قرآن چاپ و نیز است. یعنی به خط قرمز و شکل آن، خط نسخ شرقی است. به عبارت دیگر و به احتمال فراوان، متن اصلی قرآن چاپی به خط مونکاتس و با کوشش وی تهیه شده است. یکسال بعد، مونکاتس ترجمه جدیدی از قرآن را به فدریکو، حاکم اورینو تقدیم کرد که شامل سوره ۲۱ (انبیا) و ۲۲ (حج) و ترجمه آن بود. نسخه خطی، مذهب و مجلل است. نکته قابل توجه اینکه خط این نسخه، خط نسخ شرقی است که از دیرباز در سیسیل هم رواج داشته است و این نشان می دهد، برای تهیه این کتاب، یک خوشنویس عرب استخدام شده بوده است. مونکاتس در مقدمه این کتاب می گوید: «من

ترجمه قرآن را به زبان‌های لاتین، عبری، سریانی، کلدانی و ترکی آماده کرده‌ام». وی قصد داشت قرآن را به ۶ زبان و در ۶ ستون منتشر کند. تقدیم دو سوره مذکور قرآن با ترجمه لاتین به فدریکو، آغاز کار او بود. این کار بی سابقه بود.

مونکاتس در تقدیم کتاب به فدریکو نوشت: «من قرآن را برای تو ترجمه می‌کنم تا تو برایم نزد کاردینال چیبو (Cibo) دوست پاپ توصیه کنی». کاردینال چیبو بعدها به مقام پاپ رسید و عنوان پاپ اینوسنتیوس هشتم (Innocentius VII) را دریافت کرد.

آنچه گفته شد بیانگر موفقیت رؤسای کلیسا با ترجمه جدید قرآن و نشر آن بود.

در سال ۱۴۵۶ / ۸۴ هـ در اسپانیا، خوان دو سگویا (Juan de Segavia) متن قرآن را همراه ترجمه آن به زبان‌های لاتین و اسپانیایی تهیه کرد که البته نسخه آن از دست رفته و فقط دیباچه آن در واتیکان موجود است، اما متن لاتین مقدمه و تقدیم دو سوره قرآن را که به کوشش مونکاتس نگارش یافته است، دست کم در ۵ نسخه دیگر می‌توان یافت: (۱) نسخه کتابخانه ملی پاریس به تاریخ ۱۵۶۵ م / ۹۷۲ هـ به شماره ۳۶۷۱ (Ms. Lat. 3671) همراه با ترجمه کامل مونکاتس از قوانین تورات به زبان لاتین.

(۲) نسخه کتابخانه ملی وین به تاریخ حدود ۱۵۳۰ م / ۹۳۶ هـ معروف به نسخه پالاتینوس (سلطنتی) به شماره ۱۱۸۷۹، همراه با ترجمه مختصر قرآن.

(۳) نسخه کتابخانه آمبروسیان (Ambrosiana) در میلان، به شماره ۱۱۳ (Ms. R. 113 SVP)

(۴) نسخه کتابخانه مارچانا در ونیز به شماره ۴۶۶۲ (Ms. lat. XIV. 123 / 4662)

(۵) نسخه کتابخانه آنتونیانا (Antoniana) در پادوا به شماره ۲۰۷ (Ms. 207 Scaff. x)

این امر نشان می‌دهد، نوشته مونکاتس درباره قرآن، در محافل علاقه‌مندان و دانشمندان ایتالیا و اروپا تا قرن ۱۶ م / ۱۰ هـ رواج داشته است. قابل توجه بودن فعالیت مونکاتس در این زمینه بیشتر از آن روست که دست‌خط این دانشمند در نسخه قرآن موجود در کتابخانه واتیکان و مکتوب به خط عربی دیده می‌شود. این نسخه از قرن شانزدهم در واتیکان فهرست شده و درباره آن تحقیق هم انجام پذیرفته است، اما هیچ کس به ترجمه لاتین و امضای نویسنده آن دقت نکرده بوده است. متن این صفحه، سوره‌های آخر قرآن است. در این نسخه، ترجمه لاتین بین سطور بطور ناقص آمده است. در حواشی، تفسیر قرآن به زبان لاتین به چشم می‌خورد. ترجمه و تفسیر قرآن به

خط قرمز است. در آخرین سطر کتاب این امضا دیده می‌شود: (۱)

Finis Fl. Czvillemvs Raimundus Moncates یعنی «تَمَّتْ فِلاوِیوس گویللموس

رایموندوس مونکاتس».

این نخستین بار است که دست خط مونکاتس بدون تردید شناخته شده است. بر اساس وقف‌نامه کتابخانه پیکو که دونسخه از آن (تحت شماره ۱۵۲) موجود است، در یکی از نسخه‌ها آمده: «قرآن» و در دیگری چنین ذکر شده است: «کتاب کاغذی خطی به خط عبری»، که معلوم می‌شود هر دو به یک نسخه اشاره دارند و آن عبارت است از همین نسخه واتیکان (عبری ۳۵۷). بنابراین پیکو مالک اصلی این نسخه بوده است. همچنین اگر این نسخه قرآن بر اساس دستوری ترجمه نشده بود نیازی هم به داشتن امضا در پایان آن از سوی مونکاتس نبود. به نظر می‌رسد، پیکو ترجمه و تفسیر قرآن به زبان لاتین را به مونکاتس سفارش داده بوده است. برگ‌های نخست این نسخه از بین رفته، اما خوشبختانه بقیه کتاب و برگ آخر آن باقی است. این کتاب باید بخوبی بررسی شود. نسخه مذکور دارای چند مشخصه است:

(۱) بعد از عناوین سوره‌ها، بسم الله الرحمن الرحیم در کنار آیات بعدی قرار دارد.

(۲) میان سوره‌ها فاصله است و آیه‌ها شماره‌گذاری نشده‌اند (درست مانند کهن‌ترین قرآن‌های موجود).

(۳) در مقایسه با متن معمولی قرآن، چند اشتباه املایی در آن به چشم می‌خورد.

(۴) در جاهای گوناگون تفسیر چنین آمده است: «قال ابوهریره» یا «قال ابن عباس»، که نشان از دسترسی به تفاسیر اصیل عربی است.

(۵) در حواشی، مسایلی درباره پیامبر اسلام، حوادث زندگی او، زنان او، جاهلیت اعراب و بت‌های آنها نظیر بت لات و نیز عبارات فیلولوژیک مانند «پردیس کوهی در بهشت» دیده می‌شود.

(۶) چند دانشمند از جمله پیکو، در حواشی ترجمه این نسخه، نکات و علائم مختلفی را افزوده‌اند که نشان از توجه و تعمق در کتاب حاضر است.

(۷) کاغذ این نسخه دارای نیلیگران<sup>(۲)</sup> است که محل تولید کاغذ آن را نشان می‌دهد. همچنین نوشته «پالمو ۱۴۰۹» بیانگر تهیه شدن کاغذ آن در سیسیل است.

این نخستین تفسیر موجود در اروپا بر اساس متون اصلی عربی است.

### پی نوشت

- ۱) در خواندن این امضا، خانم پائولاسوپینومارتینی، استاد پالتوگرافی دانشگاه رم، مرا یاری کرده‌اند که از ایشان سپاسگذارم.
- ۲) واتر مارک، نسجی که در بافت کاغذ ایجاد می‌شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی